

آش با جاش، تقدیم به مبارزان بی نام یا فقط..

باید خوشحال بود که در عرصه ی بین المللی آندسته از مبارزان وطن مان بدلیل فعالیت های بشردوستانه شان مطرح می شوند تا عاملی شوند به رژیم استبدادی. دادن جایزه ساخاروف به نسرين ستوده و جعفر پناهی نیز از آن اتفاقات خوشایند است. اما در سپاسگزاری ایشان، من نتوانستم درک کنم که جنگ بمثابه یک زشتی چرا در اینجا آمده است. اگر اصغر فرهادی در صحن اسکار آن سخنرانی کوتاه را کرد که « ملت من، ملتی صلح دوست است»، دلیلش فرمایشات آقای احمدی نژاد بود در سازمان ملل برای حذف این و آن از روی کره ارض. برای همین خیل خوب گرفت و تیتراژی از رسانه شد. آقای پناهی برای تصویر زشتی ها، بمثابه یک فیلم ساز کم سوژه نداشت که از رفتار و کردار این رژیم نشان دهد. در ضمن این تقدیم کردن ها، همه ی جایزه را شامل می شود؟ جایزه یک لوح یا لوحه است و مبلغ... به امید روزی که منشور حقوق بشر در کلیتش در ایران عملی شود و پناهی ها فیلم بسازند و مجبور نشوند که « فیلمی » بسازند که واقعاً فیلم نیست. استبداد کاری می کند که ما گاهی « آواز» را بشنویم و گاهی « آوازه خوان» را ببینیم. در حالیکه همواره و همیشه هم آواز را باید دریابیم و هم آواز خوان را.